

مسجد کبود ایروان

دکتر آرمن حق نظریان

شهر ایروان (پروان)، پایتخت ارمنستان، در ۱۳۴۰ م، در زمان اوزون حسن آق قویونلو شکل گرفت. این شهر با جمعیتی حدود ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر دارای هسته‌ای کهن است که پس از قرن شانزدهم میلادی به منزله مرکز منطقه تعیین شد. از بناهای تاریخی معدود این شهر به منزله عناصر تزئینی استفاده شده است. از جمله این بناها می‌توان به کاتدرال ارمنی قرن سیزدهم و مسجد جامع کبود (مسجد - مدرسه حسین علی خان) متعلق به قرن هجدهم میلادی / قرن دوازدهم قمری اشاره کرد که در نزدیک میدان (بازار) برپا شده است، مکانی که امروزه در بنایی سرپوشیده و عظیم موسوم به بازار قدیم مورد استفاده است.

این شهر حوادث فراوانی را از سر گذرانده از جمله زلزله قرن هفدهم، تسخیر به دست ترکان عثمانی، پیوستن به ایران در زمان صفویه و تهاجم رو به گسترش روس‌ها در زمان قاجاریه که در نهایت نیز با عقد معاهده ترکمن‌چای تسلیم روسیه شد. چنین حوادثی طبعاً نمی‌تواند در تخریب بخش اعظم آثار تاریخی - معماری این شهر بی‌تأثیر باشد. در آمار تهیه شده از بناهای این شهر در ۱۸۳۰م/۱۲۴۵ق، از سوی حکمران روسی آن، علاوه بر دو مسجد در ارک حکومتی از شش باب مسجد نیز در پایین شارستان یاد شده است. درون بنای ارک حکومتی یا قلعه سردار هم علاوه بر منازل مسکونی خان بناهای دیگری نیز وجود داشته از جمله دو مسجد یکی متعلق به عثمانی‌ها و دیگری متعلق به ایرانی‌ها که بعدها تخریب شده و از آنها اطلاعات و تصاویر چندانی در دست نیست. مسجد عثمانی‌ها، موسوم به رجب پاشا، را در ۱۷۲۵م ساخته بودند که بعدها به دست روس‌ها تخریب شد و جای آن را کاندرال گرفت. امروزه هم اثری از این مسجد برجای نمانده است. مسجد ایرانی‌ها، موسوم به سردار یا عباس میرزا، را در قرن نوزدهم میلادی، در زمان فتحعلی‌شاه، ساخته بودند که آن هم پس از تصرف ایروان به دست روس‌ها به اسلحه‌خانه تبدیل و به سرعت تخریب شد. خود قلعه را نیز در نیمه قرن نوزدهم تخریب و به پارک تبدیل کردند. در محله مرکزی شهر، معروف به شهر کهنه، بازار قرار داشت که در جوار آن مسجد کبود یا مسجد حسین‌علی خان واقع شده بود. این بنا مسجد جامع شهر محسوب می‌شد که در عین حال محل آموزش علوم دینی نیز بود.

در محله تپه باشی یا کُند محل، که به سوی شرق گسترش داشت و در زمان قدیم آن را کولی‌ها اشغال کرده بودند و بعدها به بازار هفتگی پنجشنبه بازار تبدیل شد، مسجد- مدرسه نوروژ علی بیگ و حاج امام وردی قرار داشت. در شرق قلعه، محله حومه‌ای دمیربولاق واقع شده بود که در آن چند بنا از جمله مسجد کوچک جعفر بیگ یا حاج جعفر قرار داشت. مسجد سرتیپ خان نیز در محله دمیربولاق واقع بود و در قسمت جنوب و شرق قلعه مسجد کرک بولاق قرار داشت. امروزه، تنها مسجدهای باقی مانده در ایروان مسجد کبود و مسجد نورزال است.

مسجد - مدرسه جامع ایروان

مسجد کبود، که روس‌ها آن را گولوبا (مسجد کبود) می‌نامند، به نام حسین علی خان بانی آن نیز شناخته می‌شود. این مسجد - مدرسه، که نقش مسجد جامع (اصلی) شهر را ایفا می‌کرده، در ۱۱۷۹ ق با هزینه‌ای بالغ بر شش هزار تومان، که حسین علی خان (قاجار) بیگلر بیگی، حاکم ایروان، آن را پرداخت کرده بود، احداث شده و امروزه در مرکز شهر جای گرفته است. بین سال‌های ۱۸۲۶-۱۹۱۲ م وضعیت بنا سالم و مسجد نسبتاً فعال بود اما به تدریج بافت‌های اطراف آن تحلیل رفت و در پی تأثیرات نظام کمونیستی در ارمنستان، فعالیت‌های مذهبی آن نیز به تدریج تعطیل شد تا اینکه در نهایت، در ۱۹۹۶ م، با آغاز همکاری‌های ایران و ارمنستان برای احیای این مسجد از طریق سازمان میراث فرهنگی و بنیاد مستضعفان مرمت این بنای تاریخی در دستور کار قرار گرفت.

هسته اصلی مسجد گنبدخانه و دو شبستان جانبی است که ساخته و پرداخته دوران حسین علی خان قاجار؛ یعنی، اوایل دوره زندیه و سال‌های شکوفایی کریمخان زند است اما بر حسب مدارک شفاهی که لینچ گزارش کرده تصور می‌شود تاریخ بنای مسجد به عهد نادرشاه افشار (۱۷۳۶ - ۱۷۴۷ م)؛ یعنی، به زمان سردار حسین علی خان، حاکم ایرانی ایروان، بر می‌گردد.

ترکیب ویژه و هسته اصلی مسجد را، در مجموع، تالار دلپذیر و فراخی به ابعاد ۳۴ × ۱۳ متر تشکیل می‌دهد. مسجد ویژگی معماری برجسته‌ای ندارد اما چون در فضایی سربرافراشته که انبوه درختان نارون آن را احاطه کرده از زیبایی چشمگیری برخوردار است. کاشی‌کاری‌های جالب و کناره بستر آن از جمله نقوشی است که در ذهن بیننده باقی می‌ماند. روحیه حاکم بر فضای مسجد تداعی‌کننده معماری ایرانی است. این مسجد، در زمان خود، بزرگ‌ترین مسجد ایروان و غنی‌ترین مسجد تمام قفقاز به شمار می‌رفته و شاید از همین روست که بهتر از سایر مساجد از آن حفاظت شده است.

در ۱۹۳۰ م، به همت و با تدبیر برخی از روشنفکران و به منظور نجات مسجد از نابودی و تخریب، با کسب اجازه از مقامات دولتی، این مسجد تبدیل به موزه تاریخ طبیعی و موزه تاریخ ایروان شد. مسجد جامع مدتی به علت تحلیل بافت اطراف آن، که به نظر می‌رسد

از ۱۹۱۲م/۱۳۳۰ق شروع شده بود، متروک ماند و شبستان‌های شمالی آن را عمدتاً مردم تصرف کردند و گوشه غربی آن را هم خیابان ماشتوتز (لنین سابق)، که حکم شریان اصلی شهر را دارد، قطع کرده است. بناهای بلند چند طبقه، که بین ۱۹۴۰ - ۱۹۵۰م ساخته شده‌اند، حالتی غریبانه به مسجد داده‌اند.

فضاهای داخلی مسجد

مسجد جامع ایروان، که به سبک چهار ایوانی بنا شده، دارای دو بلوک عمده شمالی و جنوبی (به طرف قبله) است. دو ایوان کوچک‌تر شرقی و غربی حجره‌های واقع در دو ضلع مذکور را به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. گروه شمالی شامل هفت حجره و گروه جنوبی شامل شش حجره است. حجره‌ها شامل دو قسمت ایوان و خود حجره‌اند. ورودی اصلی مسجد را دهانه منتهالیه جنوب شرقی شکل می‌دهد و دهانه منتهالیه جنوب غربی به فضای خدماتی مسجد از جمله راه‌پله منتهی به بام ختم می‌شود. ایوان غربی دسترسی به مسجد را از طریق جبهه غربی فراهم می‌کند. بنابراین، ظاهراً ورودی مسجد تنها از طریق جنوب و غرب است.

حیاط یا صحن مسجد - مدرسه

مسجد کیسود یک مسجد - مدرسه محسوب می‌شود که نظایر آن را در تمام دوره‌های تاریخ معماری اسلامی ایران فراوان می‌توان یافت. فضای کلی مسجد

جامع ایروان در نگاه نخست القا کننده فضای مدرسه است تا مسجدی تمام عیار. از ویژگی‌های برجسته این مسجد - مدرسه صحن دلگشا و طراحی شده آن است که فضاهای داخلی تماماً به آن اشراف دارد و حیاط مملو از درخت آن به باغی زیبا می‌ماند تا صحنی برای عابدان.

صحن مدرسه دارای دو بخش است: باغ و حوض مرکزی آن و دیگری خیابان‌های وسیعی که آن را دور می‌زنند. این دو بخش را ستونچه‌هایی سنگی و نرده‌هایی آهنی احاطه کرده که تاریخ‌هایی بین ۱۳۲۵ - ۱۳۲۸ ش دارد.

اختلاف سطحی، حدود یک پله، خیابان‌های محوطه‌سازی باغچه‌ها و حوض مرکزی را از یکدیگر مجزا ساخته و تمام صحن با سنگ‌های بزرگ خاکستری توف فرش شده است. فضای مسجد از سال‌ها پیش به دو موزه به نام موزه تاریخ ایروان و موزه تاریخ طبیعی اختصاص داده شده بود (۱۹۲۹ - ۱۹۹۴ م) که فعالیت چشمگیری هم نداشت و پس از چندی نیز (از ۱۳۷۵ ش) بحث واگذاری آن از سوی شهرداری به بنیاد مستضعفان ایران مطرح شد.

محراب‌های گنبد و مقصوره

محراب اصلی

مهم‌ترین محراب مسجد شامل محراب گنبدخانه است که کتیبه‌ای با دو بخش عمده دارد: کتیبه پیشانی که شامل شمه‌ای از اوضاع سیاسی و اجتماعی منطقه، سال ایجاد مسجد و توصیف بانی اوست. بخش دوم کتیبه نیز آیاتی از قرآن کریم را شامل می‌شود.

محراب دوم

محراب دوم در واقع سنگ نبشته‌ای است به شکل محراب بر بدنه جنوبی (سمت قبله) شبستان جنوب شرقی که دوازده بیت شعر به خط نستعلیق درباره ایروان، مسجد جامع و بانی آن، حسین‌علی خان، بر روی آن نگاشته شده و تاریخ احداث آن ۱۱۷۹ ق است.

محراب سوم

در شبستان جنوب غربی، بر بدنه جنوبی (سمت قبله)، محراب سنگی مزینی قرار دارد که بر روی آن آیاتی از قرآن کریم حک شده است.

محراب چهارم

بر بدنه داخلی استوانه‌ای ساقه گنبد
این محراب آیاتی از قرآن کریم
نوشته شده. نام دو کاتب کتبه
میرمرتضی تبریزی و غفار اوجانی
و سال کتابت آن ۱۱۸۰ ق است.

سردر جنوبی

مسجد جامع ایروان در مجاورت میدان اصلی بازار سرپوشیده و دیگر تأسیسات
عمومی شهر ایروان قرار داشته و در مجموع مرکز قسمت پایین شهر (محل مسلمان‌نشین)
محسوب و هسته اصلی فعالیت‌ها و عملکردهای عمومی شهر تلقی می‌شده است. وجود
دو سر جبهه جنوبی و غربی و نورگیری حجره‌ها و فضاهای اصلی مسجد از بدنه‌های
خارجی گویای آن است که مسجد با گذرهای عمومی در چهار طرف احاطه می‌شده و
مسدود شدن معابر اطراف و تصرف آن طی تغییرات عمده شهرسازی در مرکز ایروان و
بالا آمدن سطح شهر از ۱۹۳۲ م/ ۱۳۱۱ ش به بعد صورت پذیرفته است.

بر اساس شواهد و مدارک موجود مهم‌ترین دسترسی مسجد به فضای خارجی
از طریق سردر جنوبی و در درجه دوم از سردر غربی بوده. سردر جنوبی پس از افتتاح
سردر جدید در خیابان ماشوتز،
در گوشه شمال غربی، عملاً به
سردری درجه دوم و خدماتی
مبدل شد، طاق آن فرو ریخت و
به شکل ویرانه‌ای در آمد.

سردر جنوبی، پیش از
ویرانی، دارای تزیینات معقلی و
قطاربندی آینه‌کاری شده بود.

تک مناره‌ای رفیع در شرق و مأذنه‌ای کوتاه و سرپوشیده در غرب در جلوی آن وجود داشت. مجموعه سردر در دوره‌های مختلف شکل گرفته است و تزیینات ایوان دوره‌هایی متفاوت دارد اما استخوان‌بندی آن هم‌زمان با ساخت مسجد شکل گرفته است.

مأذنه

مأذنه مسجد، که در حال حاضر وجود ندارد، هشت‌گوش بوده و در سمت غربی سردر قرار داشته و ساخت آن نیز به دوره‌های بعد از ساخت سردر و مناره مربوط بوده است. مأذنه، که بر پایه‌ای مستقل از سردر از سطح همکف آغاز می‌شده، فاقد پله داخلی بوده و برای رفتن به بالای آن ابتدا از کف بام و از پله پشت طاق سردر به اتاقک پاگرد، واقع در فراز سردر، می‌رفتند و سپس از آنجا به کف مأذنه وارد می‌شدند. مأذنه به احتمال زیاد از الحاقات دوره متأخر قاجاری است (احتمالاً ۱۳۰۵ ق به بعد).

راهروی سرپوشیده

عکس‌های تاریخی راهروی سرپوشیده مقابل سردر جنوبی این قسمت بنا را، در دوره‌های مختلف، در وضعیت‌های متفاوت نشان می‌دهد. قدیمی‌ترین عکس (۱۸۶۲ م/ ۱۲۷۷ ق) راهروی سرپوشیده را بر روی چهار ستون (احتمالاً سنگی) با سقفی تخت نشان می‌دهد که ارتفاعی برابر ارتفاع سردر دارد. در این عکس کلاhek مأذنه نیز به صورت کلاه درویشی است. در عکس‌های جدیدتر ستون‌های راهروی سرپوشیده بلندتر شده، سقف آن به صورت شیبدار

در آمده و قوس‌های بین ستون‌ها حذف شده است. کلاهیک مأذنه نیز به صورت چتری ساده درآمده و ارتفاع آن، به احتمال زیاد، بلندتر شده است. ستون‌های نگه‌دارنده راهروی سرپوشیده هم تغییر یافته. راهروی سرپوشیده احتمالاً به همان دوره‌ای تعلق دارد که مأذنه ساخته شده و مربوط به سال‌های ۱۳۰۵ ق به بعد است.

با توجه به عکس‌های موجود ارتفاع سردر هم‌تراز پاگرد شبستان شرقی کنار گنبد؛ یعنی، حدود ۷/۵ متر و پاکار قوس سردر هم‌تراز با اولین پای قطاربندی و حدوداً ۴/۱۵ متر از کف اصلی است. قطاربندی سردر نیز آیینه‌کاری بوده (گفته‌های اهالی این امر را تأیید می‌کند) که احتمالاً مربوط به دوره سوم تزیینات سردر است.

با عنایت به گمانه‌زنی‌ها آنچه مسلم است اینکه ساختار مناره با ساختار سردر مسجد تفاوت داشته. این بدان معنا نیست که این دو در دو دوره متفاوت و دور از هم ساخته شده‌اند بلکه ظن قوی آن است که معمار بنا به علت کاربرد متفاوت دو سازه تعمداً آنها را درز داده و به صورت هشت‌گیر ساخته. تقدم یکی از این دو سازه بر دیگری چندان محرز نیست اما احتمال تقدم ساختمان مناره، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، وجود دارد. نکته دیگر آنکه بررسی سنگ مناره و سردر و نشان واضحی که در سکوی سردر وجود دارد حاکی از آن است که مناره و بدنه جنوبی مسجد و از جمله سردر جنوبی در ابتدا یک‌بار طراحی و ساخته شده اما به دلایلی، از جمله به منظور برجسته ساختن نمای سردر، با جلو کشیدن جرزهای دو طرف (به اندازه ۵۲ سانتی‌متر) و ایجاد پُخی در دو طرف سردر، آن را نسبت به بدنه مناره و مسجد نمایان‌تر ساخته‌اند. آنچه ظن قدیمی‌تر بودن و اصلی بودن این سازه را تقویت می‌کند وجود تزیینات کاشی‌کاری معقلی روی پُخ‌هاست که از نوع کاشی‌کاری مرحله اول سردر است.

مناره

آنچه در نگاه اول به گنبد جلب نظر می‌کند مناره ستر و خوش اندام آن است که گل‌دسته آن، به ویژه، مناره‌های دوره صفویه را به یاد می‌آورد. مناره شامل سه بخش است: پایه، تنه و گل‌دسته. پایه مکعب مستطیلی است به ابعاد $342 \times 330 \times 380$ سانتی‌متر که از درون و بیرون سنگی و پاک‌تراش است و بدنه غربی آن، که بر سردر مناره تکیه دارد، آجری است. ورود به مناره از همکف شمالی آن میسر است که خود نشانه‌ای از منفرد بودن مناره محسوب می‌شود، همان‌گونه که روال تمام مناره‌های منفرد است و احتمال ساخت آن پیش از سردر و حتی پیش از مسجد وجود دارد. پایه مناره با چهار نیم‌شبه هرم به تنه استوانه‌ای آن متصل می‌شود (مرحله انتقال). بخشی از تنه مناره، از قسمتی که پایه سنگی مکعب مستطیل خاتمه می‌یابد و تنه آجری مناره شروع می‌شود، به ارتفاع ۱۲۰ سانتی‌متر سنگی و به تبعیت از تنه مناره، استوانه‌ای شکل است.

تنه مناره با پله‌ها و میله سنگی وسطی آن تا کف نعلبکی و امال است. از نعلبکی به بالا (سرمناره) پله وجود ندارد و در فضای خالی آن چوب‌هایی به صورت نردبان تعبیه شده است. بر بدنه داخلی سرمناره یادگارهایی از دوران جنگ جهانی اول دیده می‌شود. در زمانی نه چندان نزدیک، در بخشی از مناره، در قسمت کف بام سردر، درگاهی ایجاد شده تا دسترسی به مناره را از روی بام ممکن سازد. با ایجاد این درگاه ورودی به مناره از قسمت همکف متروک می‌ماند. این حدس نیز وجود دارد که در زمان ساخت سردر، که پس از بنای مناره بوده، به علت ضرورت دسترسی به مناره از بام، این درگاه هم‌زمان با بنای سردر ایجاد شده است.

مناره به طور محسوسی به سمت جنوب غربی (سمت سردر) کج شده است. این انحراف به طور مشخصی در بخش استوانه‌ای شکل مناره دیده می‌شود، نه در پایه مناره که به سردر تکیه دارد.

ضایعات وارده بر اثر عدم تعادل در بخش انتقالی (از مکعب مستطیل به استوانه) و امال یا بخش شبه مخروطی مناره کاملاً مشهود است. خردشدگی سنگ‌های پله‌ها، میله مناره و اولین سنگ‌های محل اتکای استوانه مناره بر روی مکعب مستطیل پایه از علائم این عدم تعادل و چرخش است. با توجه با اینکه هیچ‌گونه نشستی در سطح اتکای پایه مناره بر روی شالوده دیده نمی‌شود می‌توان عامل این عدم تعادل را زلزله‌هایی دانست که در سال‌های گذشته رخ داده است. به نظر می‌رسد ضعیف شدن بدنه مناره در اثر ایجاد درگاه و نیز خرابی و ناتمام بودن سردر (که می‌توانست تا حدی از انحراف مناره به سمت سردر جلوگیری کند) در جهت‌گیری انحراف مناره به سمت سردر کمک کرده باشد. در عکسی متعلق به ۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق نیز این انحراف قدیمی دیده می‌شود.

عکسی که در ۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق از بنای

مسجد گرفته شده وضعیت سردر را در شکل اصلی، پیش از تغییرات صورت گرفته در کاشی‌کاری‌های نما و گنبد در ۱۳۰۵ق، نشان می‌دهد. با مقایسه این تصویر با وضعیت امروز بنا می‌توان تغییرات زیر را در آن مشاهده کرد:

- کتیبه قرآنی خط ثلث بر خشت‌های هفت رنگ شامل سوره الدهر، که تاریخ احداث و نام بانی در

پایان آن آمده، با کتیبه جدید کاشی هفت رنگ پوشانده شده است.

- جای طاقچه‌سازی کاربرندی شده پیشانی پیش‌طاق را، که ترکیبی کاملاً نو در معماری زندیه است، دو کتیبه هفت رنگ پر کرده.

- طاق‌نماهای چرخ‌های دو طرف نما با ترکیبی جدید از کاشی هفت رنگ پر شده است.

- پیشانی نما برای نصب یک کتیبه هفت رنگ دیگر بالا برده شده است که موجب

کاهش دید گنبد از داخل حیاط شده.

- طرح لچکی‌های نما با یک

طرح اسلیمی هفت رنگ جایگزین شده است.

- شبستان زیر گنبد با درب

ارسی بزرگ چوبی سه دری بسته

شده است. این ارسی هم‌اکنون نیز

وجود دارد و طی احیای مسجد

تعمیر شده است.

کاشی‌کاری گنبد و تغییرات طرح آن

کاشی‌کاری گنبد نمایانگر قدیمی‌ترین وضع طرح کاشی‌کاری بر روی گنبدها، حداقل، در فاصله سال‌های ۱۸۶۲ - ۱۸۷۷/م ۱۲۷۷ - ۱۳۰۵ ق؛ یعنی، فاصله‌ای حدود یک نسل است.

هرچند با توجه به اقلیم سرد ایروان بعید به نظر می‌رسد در فاصله ۱۷۶۵ - ۱۸۶۲/م ۱۱۷۹ - ۱۲۷۷ ق؛ یعنی، حدود یکصد سال تعمیراتی در گنبد صورت نگرفته باشد. کاشی‌کاری

گنبد به شیوه نره امکان تعمیرات موضعی آن را می‌دهد و احتمال نگهداری کاشی‌کاری گنبد به این شیوه در طول سال‌های فوق‌الذکر وجود دارد. به هر حال، از مستندات تصویری چنین مستفاد می‌شود که تغییرات و تعمیرات عمده گنبد هم‌زمان با تغییرات صورت گرفته در نمای ایوان جنوبی بوده. این تغییرات عبارت‌اند از:

- تعبیه نه ترنج با ذکر نام منتقارن علی، در زمینه طرح اسلیمی، روی کاشی نرده

(وضع گنبد قبل از تعمیرات اخیر)

- تغییر طرح کمربند (آوگون) گنبد به طرحی بر زمینه اسلیمی و کاشی هفت رنگ

- تغییر طرح پایین‌ترین بخش گنبد (زیر خاک‌انداز و آوگون)

- تغییراتی در طرح عرق‌چین گنبد

آخرین تعمیرات روی گنبد

به نظر می‌رسد گنبد از آن تاریخ (۱۸۶۲ م/ ۱۲۷۷ ق) تا زمان آخرین تعمیرات اساسی تنها یک‌بار دیگر تعمیر شده و آن زمانی بوده که برای استحکام بخشی از گنبد اقدام به تعبیه کمربند و کش‌های فلزی در آن کرده‌اند و احتمالاً مربوط به سال‌هایی است که بنا تبدیل به موزه شده بود.

تغییرات صورت گرفته حاکی از آن است که تعمیرکاران کاملاً از هنر کاشی‌کاری بی‌اطلاع بوده‌اند زیرا پس از نصب کلاف تسمه‌ای به دور گنبد در نصب مجدد کاشی‌های نرده، براساس طرح قبلی، دچار مشکل شده‌اند و کاشی‌ها را بدون رعایت نظم و ترتیب و به شکلی درهم چیده‌اند.

از آن زمان تا به امروز گنبد به علت ناآشنایی تعمیرکاران با فن ساخت کاشی و تعمیرات دچار فرسایش شدید شده است. این فرسایش و فروریختن کاشی‌ها، به ویژه، در کلاهک گنبد و کتیبه آن مشهود است.

ساختار گنبد

گنبد مسجد جامع ایروان گنبدی آجری و دویوسته است. آهیانه (پوسته زیرین) و گنبد (پوسته روی) با فاصله‌ای برابر ۳۲۵ سانتی‌متر از یکدیگر قرار دارند. گنبد به شیوه سروی و متناسب با شرایط اقلیمی سرد و برف‌خیز ایروان، به صورت تیز و تند ساخته شده است. هیچ‌گونه ارتباط سازه‌ای بین دو پوسته وجود ندارد و پوسته‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند و مانند سایر گنبدهای مشابه دو پوش از طریق تیغه‌های آجری شعاعی (خشخاشی‌ها) به یکدیگر تکیه ندارند و فاقد کش‌های چوبی‌اند. تنها ارتباط شبه‌سازه‌ای بین دو پوسته در محل نوک‌ها وجود دارد که عبارت است از ستونی چوبی که به نظر نمی‌رسد نقش سازه‌ای داشته

باشد و احتمالاً با طوق روی گنبد مرتبط است.

آمود یا روکش پوشش بیرونی را کاشی‌های نرّه ریشه‌دار (به قطر بیست سانتی‌متر) می‌پوشاند که نقش سازه‌ای به آن می‌دهد و کمک پوشش رویین محسوب می‌شود که ضخامت آن یک آجر است (۲۵ سانتی‌متر).

ساقه گنبد، که نورگیرها در آن تعبیه شده، استوانه‌ای است به ضخامت هشتاد سانتی‌متر با ترکیب سنگ و آجر. سنگ‌پاک‌تراش ضخیمی، که هم‌زمان با آجر چیده شده، نمای ساقه را می‌سازد.

در مجموع گنبد از سلامت نسبی برخوردار است جز برخی علامت‌های فرسایشی ناشی از نفوذ آب باران و برف و یخبندان‌ها که در فاصله باریک بین ساقه و پیشانی بلند شده پیش‌طاق ایوان جنوبی قابل مشاهده است.

در بازدید ۱۳۷۲ مشاهده شد کوره‌پوش‌های پشت پیش‌طاق فرو ریخته و محلی برای انباشت برف و باران پدید آمده است که خوشبختانه در ۱۳۷۵ طی تعمیر مسجد این عیب برطرف شد.

مشاهده گنبد پیش از تعمیرات و بازسازی ما را به این نکته رهنمون کرد که گنبد به علت تعمیرات غلط سال‌های گذشته فاقد آوگون شده اما بررسی عکس‌های قدیمی وجود آوگون را در گذشته محرز می‌سازد.

رنگ‌بندی گنبد

آنچه در تغییرات کاشی‌کاری ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ قی کاملاً مشهود است به کارگیری رنگ طلایی در کنار رنگ آبی آسمانی (کبود) است. تأکید در ترکیب این دو رنگ، که به فضا شادابی و نشاط می‌بخشد، چه در نمای پیش‌طاق و چه در گنبد (کاشی‌های هفت رنگ و ترنج‌های یاعلی) دیده می‌شود. این ترکیب در بازسازی اخیر کاشی‌کاری گنبد نیز محفوظ مانده است.

گنبدهای شبستان‌های شرقی و غربی گنبدخانه

سازه گنبدهای شبستان‌های شرقی و غربی به شکل گنبدهای دو پوش پیوسته ساخته شده و ساقه گنبدها از سنگ پاک‌تراش و به ارتفاع ۶۵ سانتی‌متر از سطح بام است. این ارتفاع با توجه به شیب بندی بام برای دفع آب باران

تفاوت دارد و در جوار بدنه گنبدخانه به حداقل می‌رسد و نظر به فاصله بسیار محدود گنبد بزرگ با گنبدهای شرقی و غربی بام در این بخش به صورت آبرو در می‌آید. ساقه سنگی در واقع پوسته‌ای سنگی است که ساقه کوتاه آجری گنبدها را محافظت می‌کند. شکل تمام‌شده گنبد (با نظر به گنبد نسبتاً سالم شرقی) شروعی تند (شیبی نزدیک به ۳۰ درصد) و رأس افتاده دارد. به بیان دیگر، برف‌گیر است و بر خلاف گنبد اصلی خوابیده و فرسایش آنها را موجب شده است. در زمانی که از مسجد به منزله موزه استفاده می‌شد راه‌حل این مشکل را در شیروانی کردن روی گنبد و تمام بام‌ها دیده بودند.

بازشوهای ایوان و حجره‌ها

به منظور آماده‌سازی فضاهای متفاوت مسجد جامع برای موزه، دخل و تصرفاتی در آن صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به بازشوهای بین ایوان‌ها برای ایجاد رواق دور حیاط و واشرگاه‌های بین حجره‌ها اشاره کرد.

نظر به اینکه این اقدام به ویژه، در ایوان‌ها، موجب تضعیف وضع استحکامی ایوان‌ها شده بود در طرح مرمت تصمیم گرفته شد تمام دیوارهای ایوان‌ها را، که سوراخ شده و در آن راه عبور به ایوان دیگری ایجاد شده بود، به شکل اصلی (که معمولاً طاقچه ایوان است) بازسازی کنند. اغلب درگاه‌ها و روزنه‌های بالای آن را نیز در حجره‌ها تغییر داده بودند که قرار شد آنها را هم بر اساس طرح اصلی بازسازی کنند.

جبهه شمالی

با توجه به تصاویر گویا و روشنی که از نمای جبهه شمالی به طرف صحن وجود دارد و با عنایت به بقایای موجود از این نما، در گوشه شمال شرقی و شمال غربی، امکان دستیابی به نمای بخش مرکزی و دیگر قسمت‌های ویران شده آن از طریق کاوش‌های لازم میسر است. بر اساس آنچه از بررسی عکس‌ها و وضعیت موجود برمی‌آید این بخش از مسجد مهم‌ترین بخش پس از هسته مرکزی جبهه جنوبی است و به احتمال زیاد، به شکل مدرسه از آن بهره‌برداری می‌شده و شامل یک گنبدخانه مرکزی با فضایی بسیار کوچک‌تر از گنبدخانه مقصوره اما بسیار پرتکلف‌تر و دارای تزیینات بیشتر بوده است.

بر فراز دو گوشه شمال شرقی و شمال غربی جبهه مذکور و مشرف به حیاط مسجد دو گنبدخانه کوچک‌تر از گنبد مرکزی و هم‌حجم یکدیگر وجود داشته که نقشه قدیمی موجود در بایگانی اداره کل حفاظت بناهای تاریخی ارمنستان ابعاد آن را تا حدودی مشخص می‌سازد. این دو گنبد در واقع فضای حیاط مسجد را در گوشه‌های شمالی محدود و آن را تعریف می‌کند. کاوش‌ها و مطالعات صورت گرفته در گنبدخانه گوشه‌های شمال غربی دستیابی به تمام اطلاعات لازم را درباره ساختار گنبد میسر ساخت ضمن آنکه طی این کاوش‌ها به محرابی در جبهه جنوبی آن در بین دو در ورودی به فضای گوشه شمال غربی از حیاط دست یافتیم. احتمال اینکه در فضای گوشه شرقی نیز یک چنین محرابی وجود داشته باشد قوی است.

دو گنبد مذکور هرچند از نظر ابعاد چندان از گنبد مرکزی کوچک‌تر نیستند اما از نظر ساختار با آن تفاوت دارند و در ارتفاع پایین‌تری برپا شده‌اند. حد فاصل بین گنبد

مرکزی و دو گنبد مورد بحث دو فضای مشابه وجود داشته که عیناً در جانب دیگر آنها و در انتهاالیه گوشه‌های شمال شرقی و غربی جبهه شمالی، تکرار و به احتمال زیاد با شیوه طاق و تویزه پوشانده می‌شده است.

با توجه به اینکه گوشه شمال غربی مسجد ایروان در پی ایجاد خیابان ماشتوتز بریده شده و کف حیاط مسجد حدود دو متر پایین‌تر از کف پیاده‌رو خیابان مذکور قرار دارد مرمت این بخش از مسجد و ایجاد نمایی متناسب با مسجد و فضای شهری آن از حساسیتی ویژه برخوردار است.

خوشبختانه، میزان بریدگی ایجاد شده در گوشه شمال غربی مسجد در حدی است که امکان بازسازی کامل صحن مسجد در گوشه شمال غربی و ایجاد فضایی یکدست و هماهنگ با معماری مسجد وجود دارد. در بازسازی مسجد در قسمت بر خیابان ماشتوتز می‌بایست موارد زیر در نظر گرفته می‌شد:

- ضرورت ایجاد دسترسی به مسجد از خیابان.
- ضرورت ایجاد ارتباطی فضایی و کالبدی بین مسجد و خیابان به نحوی که تداخل نامأنوس صورت نگیرد.
- ارائه حجم زیبای گنبد و مناره در فضای شهری بدون آنکه فضای شهری امروزی خود را بر فضای یکدست و تاریخی مسجد تحمیل کند.
- هم‌زمان با بازسازی جبهه شمالی دکتر جبل عاملی طرحی را نیز برای ورودی مسجد از خیابان ماشتوتز تهیه کرد.

آسیب شناسی بنا

متروک ماندن بنا

متروک ماندن مسجد طی ۱۹۱۲م (تحریک‌های منطقه‌ای و بروز جنگ جهانی اول) تا ۱۹۳۰م (تأسیس موزه در مسجد) از جمله عوامل تخریب آن بوده است.

عوامل مخرب ناشی از برنامه‌های شهرسازی

- پیاده شدن طرح جامع ایروان و تحولات شهری حاصل از آن از جمله تخریب گوشه

شمال غربی مسجد و قسمت اعظم بدنه شمالی در پی ایجاد خیابان اصلی ماشتوتز

- ایجاد ورودی اصلی به موزه از خیابان ماشتوتز و متروک ماندن سردر جنوبی

- ساخت و سازهای جدید در حریم بلافصل مسجد و بالا آمدن کف گذرها و عرصه‌های

اطراف مسجد تا بیش از دو متر و در نتیجه ایجاد تغییرات در تناسبات نماهای خارجی بنا

و اثرات منفی منظری و ضایعات کالبدی بر اثر نفوذ رطوبت‌های صعودی جانبی

عامل ویرانگر رطوبت

بالا آمدن کف اطراف بنا بسته شدن روزنه‌های حجره‌ها را نیز (احتمالاً برای تأمین امنیت

موزه) به همراه داشت. این دو اتفاق بنا را شدیداً در معرض نفوذ رطوبت قرار داده و جریان

هوا را نیز در فضاهای آن متوقف ساخته بود. توقف جریان هوا و جلوگیری از تنفس

بدنه‌ها همراه با عارضه به شدت آسیب‌رسان تعریق، که با نصب پانل‌ها و ویتترین‌های

موزه در مقابل بدنه‌ها تشدید شده بود، از دیگر عوامل تخریب بنا بود، هرچند با نصب

شیروانی‌هایی بر روی بام حجره‌ها و فضاهای جانبی گنبدخانه از نفوذ آب باران جلوگیری

به عمل آمد با فرسایش شیروانی‌ها آب باران از سقف‌ها نفوذ می‌کرد. بدین ترتیب، رطوبت

صعودی و نزولی را باید عامل اصلی ویرانگر بنا دانست.

دخل و تصرفات سازه‌ای

به منظور ایجاد ارتباط بین فضاهای موزه دخل و تصرفاتی غیر فنی در بنا به عمل آمد که

تأثیراتی نامطلوب بر سازه بنا گذارده بود. از جمله این دخل و تصرفات می‌توان به گشودن

در بین ایوان حجره‌ها برای ایجاد رواقی در اطراف صحن اشاره کرد که این تغییر عدم

تعادل‌هایی را در جرزها و گاه پوشش‌ها موجب شده بود.

تخریب‌های ناشی از عدم نگهداری

چنین به نظر می‌رسد که در تمام ۶۵ سالی که از بنا به منزله موزه بهره‌برداری می‌شده

نسبت به نگهداری آن سهل‌انگاری جدی صورت گرفته. این امر هر چند در سلامت بنا اثر

منفی داشته در حفظ شواهد تاریخی مؤثر بوده است.

کلاف‌کشی گنبد

گنبد در قسمت بالایی ساقه آن با تسمه کلاف‌کشی شده است. هنوز روشن نیست که این

بحث این اقدامات از ۱۳۶۹ش آغاز شد تعمیرات عملاً با حضور آقای تنباکوچی، نماینده اجرایی بنیاد مستضعفان و آقای وهاب‌زاده، ناظر سازمان میراث فرهنگی کشور، از ۲۵ مرداد ۱۳۷۵، در ایروان، آغاز شد.

در پایان، یاد زنده یاد دکتر باقرآیت‌الله شیرازی را، که مطالب فوق خلاصه‌ای از مقاله و گزارشی به نام «مطالعه و مرمت مسجد جامع ایروان» به نگارش آن مرحوم است، گرامی می‌داریم.

منابع

- اف، هانس. ارمنستان و خاور نزدیک، پاریس: [بی‌نا]، ۱۸۲۸.
دید. شهر ایروان، پایتخت ارمنستان، روسیه: [بی‌نا]، ۱۸۲۳.
ام فون، تلمن. سفر در قفقاز، ایران و ترکیه در اسید لندن: [بی‌نا]، ۱۸۷۵.
اف، دولتی. چهارده ماه در روسیه، بیجا: [بی‌نا]، ۱۸۷۸، ج ۱.
شانتز، در عبور از ارمنستان، [بی‌جا]، [بی‌نا]، ۱۸۹۱، ج ۲.
لینچ. ارمنستان، سفرها و مطالعات، لندن: [بی‌نا]، ۱۹۰۱.